

تیرکشته: ناصیه موئن منطقه ایران



درس نهم

تورم و کاهش قدرت خرید

مشکلاتی که با مت فرج برخی ترکستان از میدان تولیدشده

موقعیت

بسیاری از فعالان میدان تولید که علاقه‌ای به از دست دادن سود نداشتند یا توان ماندن در بازار برایشان نمانده بود، از گردونه رقابت خارج شدند. تحریم‌های بانکی به همه فشار آورده بود. دولت با کسری بودجه مواجه شده بود؛ یعنی هزینه‌هایش بیشتر از درآمدش شده بود و راهی جز افزایش مالیات نداشت. از طرفی وابستگی ساختار پولی کشور به دلار، کمر همه را شکسته بود. دلار کمیاب شده و نرخ برابری ریال و دلار به شدت بالا رفته بود. چندی پیش هر دلار با ۳ هزار تومان قابل تعویض بود، اما اکنون این عدد چند برابر شده بود. شاید دیگر هیچ نکته منفی‌ای نبود که برای تولیدکنندگان خودنمایی نکند. تا قبل از این تحریم، خرید مواد اولیه مورد نیاز کارگاه آقای محمدی را سخت کرده بود و اکنون تورم هم گلی به این بوستان افزوده بود!

دوراهی انتخاب شاید هیچ گاه انقدر سخت نشده بود. موضوع آن قدر پیچیده بود که آقای محمدی تمام روز جمعه را مشغول فکر کردن به آن بود.

امیرعلی: بابا به جمعه رو می‌شه بی خیال کار بشین؟

ستایش: خب دلمون گرفت از بس شما توی خودتونین!

مادر: راست می‌گن بچه‌ها خب! چرا این کار شما تعطیلی نداره؟

پدر: نمی‌دونم چی کار کنم؟ یا باید قیمت محصولاتمون رو سه برابر کنم یا اینکه تعطیل کنم بره.

ستایش: همه که گرون کردن، شما هم گرون کنین!

پدر: فرض کن که این کارو کردم، بعد کشاورز بیچاره چی؟ میاد از ما بخره؟

امیرعلی: بله که میاد! مگه تحریم نیستیم؟ جنس خارجی شده پنج برابر ایرانش شده سه برابر، خب معلومه ایرانی می‌خره.

پدر: فرض کن قاچاق نیست و اومد جنس منو خرید، حالا میوه و محصولشو چند برابر بده به فروشنده تا بتونه دوباره تولید کنه؟ تازه این وسط دلال‌ها هم که هر کاری دلشون بخواد می‌کنن!

ستایش: خب همه همین کار رو می کنن پدر من مگه چیه؟
پدر: نفست از جای گرم بلند می شه ها، من و تو داریم و می تونیم بخریم، اونی که نداشت و نداره
چی می شه؟

امیر علی: چه افتضاحی!! چرا این طوری شد آخه؟
پدر: تورم همینه دیگه! مثل یخ فروشی که توی گرمای تابستون زیر نور آفتاب داره سرمایه اش
آب می شه، پول توی حساب بانکی تو هم بی ارزش می شه.
ستایش: تورم چه ربطی به ارزش پول داره بابا؟
مادر: بی خود نبود قدیمی ها می گفتن همه رفتاری ها از پول شروع می شه.
امیر علی: اگه اینترنت رو می دیدن چی می گفتن؟

گفت و گو در کلاس نظر شما چه؟



- ۱- به نظر شما افزایش قیمت ها چه تاثیری در کسب و کارها خواهد گذاشت؟
- ۲- به نظر شما آیا میان تورم، پول و خرید کالاها رابطه ای وجود دارد؟
- ۳- چرا معمولاً گمان می کنیم تورمی که واقعاً وجود دارد، بیشتر از آن چیزی است که مسئولان اقتصادی می گویند؟

نقشه راه ما در این درس به دنبال چه هستیم؟

در این درس می خواهیم درباره رابطه تورم با پول گفت و گو کنیم و بدانیم چرا تورم یک آسیب و تهدید اقتصادی است. همچنین می خواهیم درباره محاسبه نرخ تورم مطالبی فراگیریم. این محاسبه درک بهتری از نوسان قیمت ها به ما خواهد داد. محاسبه تورم، همچنین باعث می شود تا بدانیم چرا میان آنچه از تورم احساس می کنیم و آنچه واقعاً در اقتصاد روی داده است، تفاوت هایی وجود دارد. در پایان این درس خواهیم توانست:

با محاسبه تورم می توانیم:

- چستی پول و رابطه آن با تورم را توضیح دهیم.
- مفهوم تورم را شناسایی و نرخ آن را محاسبه کنیم.
- تاثیر تورم بر کسب و کارهای اقتصادی را توضیح دهیم.

پول همان ثروت نیست. توزیع با مثال

یکی از باورهای رایج میان مردم این است که گمان می کنند، پول همان ثروت است. برای اینکه این باور را بیازمایید، کافی است به پولی که در جیبتان دارید فکر کنید؛ مثلاً شما با ۵۰۰۰ تومان پولی که در جیب دارید اکنون می توانید دو بسته بیسکویت بخرید. در حالی که با همین ۵۰۰۰ تومان در ۱۰ سال پیش می توانستید یک پیراهن و در بیست سال قبل، یک کیف تهیه کنید. پس ارزش پول یا به عبارت دیگر، قدرت خرید پول کاهش پیدا کرده است.

حالا فرض کنید مدیر عامل یک شرکت تولیدی هستید و تورم باعث شده است تا یکی از نهاده‌های تولیدی که سال قبل با ۵۰۰ میلیون تومان می‌خریدید، اکنون باید بابت همان نهاده، ۷۰۰ میلیون تومان پرداخت کنید و این افزایش قیمت را روی محصول نهایی خود اعمال کنید.

هر ساله میزان پولی که دست مردم است افزایش می‌یابد؛ مثلاً حقوق کارمندان یا درآمد مشاغل افزایش می‌یابد، اما آیا این به معنای ثروتمندتر شدن مردم هم است؟ پاسخ به این سؤال به این بستگی دارد که قدرت خرید پول چه تغییری کرده است. برای اینکه بدانیم آیا قدرت خرید پول افزایش یافته است یا کاهش، باید با مفهوم تورم و پیش از آن با مفهوم پول، آشنا شویم.

پول چیست؟ **اسه‌ای‌ترین شکل مبادله؛ مبادله پایاپای (ماتری) و مشکلات آن**

پیش از این با مفهوم مبادله آشنا شدید. در یک اقتصاد پویا روزانه میلیون‌ها مبادله انجام می‌شود. کشاورزان و دامداران و صنعتگران و دیگر قشرها، محصولات خود را با یکدیگر مبادله می‌کنند. فرض کنید قرار باشد همه این مبادلات به صورت پایاپای (ماتری) صورت گیرد؛ یعنی مثلاً کشاورز گندمش را با کفش صنعتگر مبادله کند و مجدداً کفش خریداری شده را با گوسفند دامدار معاوضه کند. به همین شکل دامدار و صنعتگر نیز با گوسفند و کفش با یکدیگر مبادله کنند. در این صورت چگونه می‌توان گوسفند را با کفش مبادله کرد؟ چه تعداد گوسفند در برابر چه تعداد کفش باید مبادله شود؟ آیا گوسفندها یا گندم‌ها در طی مبادلات گسترده از بین نمی‌روند؟ آیا می‌شود آنها را به راحتی حمل کرد؟ تصور کنید یک نفر برای تأمین یکی از نیازهایش، مجبور باشد به ده‌ها نفر مراجعه کند و ده‌ها مبادله کالا به کالا انجام دهد؛ به نظر شما چنین فرایندی، چه مشکلاتی ایجاد می‌کند؟

به دلیل همین مشکلات، بشر برای مبادلات خود، از کالایی با دوام و فاسدنشدنی و قابل تقسیم به تکه‌های کوچک و پرترف‌دار استفاده کرد. البته در هر منطقه، کالایی خاص پرترف‌دار بود. مثلاً در ایران، غلات؛ در هندوستان، صدف؛ در تبت، چای و در روسیه، پوست سمور خواهان بیشتری داشت. ساکنان این مناطق حاضر بودند کالاهای اضافی خود را با این کالاهای معاوضه کنند؛ زیرا اطمینان داشتند که با دادن این کالاهای می‌توانند کالاهای مورد نیاز خود را دریافت کنند. به این ترتیب، این نوع کالاهای به عنوان اولین وسیله مبادله، مورد استفاده قرار گرفت.

در مین شکل مبادله (مبادله با کالاهای خاص) و بهترین راه مبادله

هرچند مبادله به وسیله کالاهای یاد شده، با سرعت و راحت‌تر از مبادلات پایاپای انجام می‌گرفت، افزایش تولید و زیاد شدن حجم و تعداد مبادلات، مشکلات جدیدی را با خود به همراه آورد؛ از جمله اینکه کالاهایی که به عنوان وسیله مبادله از آنها استفاده می‌شد، در صورتی که مدت زیادی بدون مصرف می‌ماندند، فاسد و غیرقابل استفاده می‌شدند. همچنین به دلیل حجم زیاد، فضای زیادی را اشغال می‌کردند. از سویی دیگر، تأمین جابجایی محافظت از این کالاهای، هزینه نگهداری آنها را افزایش می‌داد که به تولیدکنندگان، ضرر می‌رساند. به این ترتیب، بشر دریافت که این کالاهای وسیله مناسبی برای معامله نیست و به جای آن می‌توان از برخی فلزات، مثل طلا و نقره استفاده کرد. این انتخاب، موجب گسترش تجارت در داخل کشورها و بین ملت‌ها شد و فعالیت‌هایی از

قبل، دریانوردی و حمل و نقل را نیز رونق بخشید.

سومین شکل مبادله (مبادله با فلزاتی چون طلا و نقره) و تأثیر آن در گسترش تجارت

مشکلات مبادله با فلزاتی چون طلا و نقره (۳ مورد)

• داستان جایگزینی سکه ها به جای سکه فلزی در مبادلات

با وجود فواید زیاد استفاده از پول های فلزی مثل طلا و نقره، بازهم مشکلاتی وجود داشت؛ مثلاً میزان طلا و نقره محدود بود و با افزایش تجارت و مبادله، به پول بیشتری نیز نیاز بود. در این میان، عده ای از بازرگانان در معاملات خود به جای پرداخت سکه های فلزی، رسیدی صادر می کردند که بیانگر بدهی آنان بود. طرف مقابل هم براساس اعتمادی که داشت، این رسید را می پذیرفت. به تدریج، بازرگانانی که به یکدیگر اعتماد داشتند، این رسیدها را بین خود مبادله می کردند. مردم هم برای در امان ماندن از خطرهای احتمالی و همچنین رهایی یافتن از حمل مسکوکات در معامله ها، پول های خود را به تجار یا صرافان معتبر می سپردند و در مقابل، رسید معتبر از آنان دریافت می کردند و در معاملات خود این رسیدها را به کار می گرفتند تا جایی که در دوران تمدن اسلامی، کارگری در بلخ رسید صرافی اسلامبل (استانبول) را می گرفت. این رسیدها در واقع نخستین اسکناس ها بود که پشتوانه آنها طلا و نقره ای بود که نزد صرافان و بازرگانان نگهداری می شد. رونق روز افزون کار صرافی ها، آنها را به نهادی مهم در اقتصاد تبدیل کرد که نام آن، بانک شد.

بی مبالاتی یا سوءاستفاده برخی صرافان از اعتماد مردم یا تعداد زیاد انواع رسیدها و صرافی ها، که آشنایی و اعتبارسنجی آنها را برای مردم سخت کرده بود، موجب شد تا دولت ها برای جلوگیری از بروز این گونه مشکلات به ناچار چاپ و انتشار اسکناس را بر عهده گیرند. فکر سپردن نشر پول به یک بانک تجاری از اینجا شکل گرفت. با گسترش ارتباطات، بانک ها فعالیت خود را گسترش دادند و نقل و انتقال اسکناس هم کم کم دشوار شد. در این میان یکی از خدماتی که بانک ها ارائه دادند، چک بود. در معاملاتی که با چک انجام می شود، پول نقد بین افراد ردوبدل نمی شود، بلکه بانک موجودی حسابی را کاهش و موجودی حساب دیگری را افزایش می دهد. چون افراد خودشان مبلغ چک را روی آن می نویسند، به آن «پول تحریری» یا «تبتی» گفته می شود.

افزایش حجم و سرعت مبادلات و همراه شدن آن با انقلاب دیجیتال و الکترونیک، موجب شد تا بشر به دنبال روش های سریع تر و راحت تر باشد. در نتیجه امروز شاهدیم که پول الکترونیکی قابل ثبت در کارت های بانکی و قابل انتقال در شبکه های ارتباطی، خرید و فروش و انتقال دارایی را بسیار آسان کرده است. در آینده پول های دیجیتالی گوناگونی را خواهیم دید که فرصت ها و تهدیدات جدیدی را برای زندگی بشر ایجاد خواهد کرد. «بیت کوین» یکی از این پول های نوظهور است.

- نخستین اسکناس ها و پشتوانه آن ها و پیرایش نهاد بانک

- مشکلاتی که رسیدها مبادلات داشتند

- دفاتر دولت ها و چاپ و انتشار اسکناس - سپردن نشر پول به بانک

- پیرایش مفهوم چک (پول تحریری یا تبتی)

- پیرایش پول الکترونیکی - آینده پول (بیت کوین)

فایه‌یچه پول (مراحل تعامل مبادلات) :

مبادله تهاتری (کالا با کالا) ← مبادله کالاها با کالایی خاص ← پول فلزی

پول ثبتي یا تحريري (چک) ← رسیدها ← استیاس‌ها

پول الکترونیکی و مجازی ← داستان پول

قبل از به‌وجود آمدن پول مردم از کالاهای گوناگون جهت پرداخت‌ها بهره می‌بردند.

پوست و دندان حیوانات
دام‌یگی از معتبرترین کالاها بود.



مصدف‌ها
نوعی حلزونی به‌عنوان
وسیله مبادله در چین رواج
داشت.



ابزارها



نمک



دانه‌ها



غلات



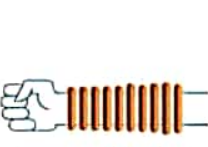
اسلحه



تنباکو



قبایل آفریقای غربی از نوعی
دستبند و بازوبند که از مس و
برنز درست شده بود، استفاده
می‌کردند.



اینکاهای امپراتوری بزرگی
تشکیل دادند و در آن پول
استفاده می‌نکردند و به جای آن از طلا و نقره استفاده کردند.



اولین پول‌های رسمی

۷ قرن قبل از میلاد، اولین
سکه‌های استاندارد، در جایی
که اکنون در غرب ترکیه است،
ساخته شد.



در رم و در نزدیکی یکی
از معابد، سکه ضرب شد.



داریوش هخامنشی اولین کسی
بود که در ایران به ضرب سکه
اقدام کرد و پس از او در دوره
ساسانیان، سکه‌ها با نقوش
مختلفی ضرب می‌شد. در اوایل
دوره اسلامی نیز، ضرب سکه به
شیوه‌های رومی و ایرانی بود و
بعدها تمایز اسلامی در سکه‌ها
نقش بست.



کمبود مس در قرن نهم میلادی
در چین، باعث شد تا چینی‌ها به
سمت تولید پول‌های کاغذی
بروند.



نوع اسپانیایی تالر، اولین پول
جهانی قلمداد می‌شود.



پول جدید

بزرگ‌ترین وسیله کاغذی مربوط
به کشور مجارستان در سال
۱۹۴۶ است که ۱۰۰ میلیون
پنگو (واحد پول مجارستان در
آن زمان) ارزش داشت.



رسیدهای کاغذی در آمریکا و دوره جنگ شهری،
رواج داشت.



در سال ۱۹۳۴، رسید کاغذی ۱۰۰/۰۰۰ دلاری، که
پشتوانه طلا داشت، بزرگ‌ترین رسیدی بود که تا آن
زمان در ایالات متحده ساخته شده بود.



بزرگ‌ترین سکه
در استرالیا در
سال ۲۰۱۱ ساخته شد
که وزن آن ۲/۲۲۱
پوند بود.



در سال ۱۶۷۰، ۲۰۱۲ نوع پول مختلف در
دنیا رواج یافته بود.



سکه نیکلی آمریکایی،
فقط ۱ گرم وزن داشت.



پشتوانه پول چیست؟

پشتوانه پول در گذشته و حال

پول های کاغذی، تحریری یا الکترونیکی، خصوصیتی اعتباری دارند. پولی که شما در دست دارید و روی آن نوشته شده است ۱۰ هزار تومان، به این معنی نیست که این ورقه کاغذ به خودی خود، ۱۰ هزار تومان می ارزد؛ بلکه به معنی سند یا رسیدی است که به شما امکان می دهد، با آن معادل ۱۰ هزار تومان کالا یا خدمات دریافت کنید. اطمینانی که مردم به ارزش پول در مبادلات دارند، پشتوانه پول به شمار می رود. زمانی که پول طلا و نقره رایج بود، پشتوانه پول همان طلا و نقره موجود در خود پول بود. پشتوانه پول کاغذی هم پول های فلزی و شمش های طلا و جواهراتی بود که نزد صراف یا بانک بود؛ اما امروزه پول های فلزی و کاغذی و تحریری و الکترونیکی که در دست افراد یا در حساب آنهاست، پشتوانه ای جز قدرت اقتصادی کشور ندارد.

پشتوانه پول فلزی (طلا و نقره): طلا و نقره موجود در خود پول
پشتوانه پول کاغذی: پول های فلزی و شمش های طلا و جواهرات
پشتوانه پول مدرن: قدرت اقتصادی کشور

نهاد بین المللی ما

ما یک مؤسسه سرمایه گذاری مطمئن هستیم. می توانید در مؤسسه ما سرمایه گذاری کنید و مطمئن باشید که هر سال ۳۰ درصد از سرمایه ای که گذاشته اید به شما سود می دهیم. نگران ما نباشید؛ ما با هر سختی و فداکاری و ایثاری که هست، سعی می کنیم این میزان سود را به شما تحویل بدهیم. اصلاً نگران منشأ درآمد ما نباشید. کسانی هم هستند که ما سرمایه ای در اختیارشان قرار می دهیم و آنها به ما سود می دهند. اساساً اقتصاد یعنی بده - بستان. این را شما که اقتصاد خوانده اید بهتر می دانید. اقتصاد، حساب و کتاب دارد. پول هم مثل سایر کالاها خرید و فروش می شود و سودی به آن تعلق می گیرد، والا چرا من و شما باید از حق استفاده از پول خودمان بگذریم و آن را به دیگری قرض بدهیم؟! نه، اصلاً توجیه اقتصادی ندارد. ما پول شما را می گیریم و در عوض سود پولتان را می دهیم. ما راضی، شما هم راضی و مدیر عامل ما هم راضی. چی؟ مدیر عامل ما اسمش چیست؟ چه اهمیتی دارد! همین قدر بدانید که او از فرشتگان مقرب درگاه الهی بود که کمی، البته فقط کمی، در مسئله آفرینش انسان و سجده بر او، با خداوند اختلاف نظر داشت!

اگر از رباخواری دست بر نمی دارید، با خدا و پیامبرش، اعلام جنگ کنید.

(برگرفته از سوره بقره، آیه ۲۷۸)

میزان تولیدات بیشتر در یک کشور << قدرت اقتصادی بیشتر آن کشور

وظایف پول

براساس آنچه گفته شد، می توان نتیجه گرفت که پول چهار وظیفه مهم دارد:

- ۱- وسیله پرداخت در مبادلات: شما در مبادلات خود، پول را می پذیرید؛ زیرا می دانید که دیگران نیز هنگام فروش کالاها یا خدمات خود، آن را خواهند پذیرفت. نقش اصلی پول در مبادلات، آسان سازی مبادله است.
- ۲- وسیله سنجش ارزش: با پول می توان ارزش کالاها را مشخص کرد و سپس ارزش نسبی آنها را باهم سنجید. عملاً پول، کار خرید و فروش کالاهای مختلف و تبدیل قیمت ها را به یکدیگر آسان می کند. هریک از کشورها دارای واحد ارزش خاص خود هستند؛ مثلاً واحد ارزش در اتحادیه اروپا یورو، در آمریکا دلار و در ایران ریال (تومان) است.
- ۳- وسیله پس انداز و حفظ ارزش: شما نیازهای گوناگونی دارید که با پرداخت پول، آنها را برطرف می کنید. بعضی نیازها هر روزه و بعضی در طول زمان پیش می آید و فرد همواره باید مقداری پول را برای رفع نیازهای آینده خود نگهداری کند. علاوه بر هزینه های روزمره، برخی هزینه های غیرقابل پیش بینی ای نیز هست که در موقعیت های خاص پیش می آید. همچنین برخی اوقات افراد تمایل دارند بخشی از ثروت و دارایی خود را به شکل پول نگه دارند.
- ۴- وسیله پرداخت های آینده: در صورتی که پول بتواند حفظ ارزش کند، می تواند وسیله مناسبی برای پرداخت آینده نیز باشد. این وظیفه پول در روزگار ما کاملاً محسوس است؛ زیرا بیشتر معاملات تجاری در مقابل پرداخت های آینده صورت می گیرد. خرید اقساطی و رد و بدل کردن حواله های بانکی نیز از همین نوع است.

نقدینگی

یک استخر بزرگ با مقدار مشخصی آب را در نظر بگیرید. می توانیم کل حجم پولی را که به شکل مسکوک، اسکناس و چک پول در دست مردم و یا به شکل سپرده دیداری^۱ در حساب های بانکی نگهداری می شود، به حجم آب یک استخر تشبیه کنیم. کل حجم پول موجود در کشور به علاوه شبه پول^۲، نقدینگی^۳ آن کشور به شمار می رود.

چک پول + سپرده های دیداری + اسکناس و مسکوکات = حجم پول
حساب های پس انداز بلندمدت + حساب های پس انداز کوتاه مدت = شبه پول
شبه پول + حجم پول = نقدینگی

همان طور که آب استخر قابل زیاد یا کم شدن است، نقدینگی نیز کم یا زیاد می شود. البته در بیشتر موارد نقدینگی در کشورها با افزایش روبه روست. سازوکار ایجاد نقدینگی یا درواقع چگونگی افزایش نقدینگی در کشور، سازوکار نسبتاً پیچیده ای است که نمی خواهیم در اینجا وارد جزئیات آن شویم؛ اما بد نیست بدانید که افزایش نقدینگی معمولاً ناشی از عملکرد بانک ها است. اگر می خواهید تا حدودی از این سازوکار سر دریاورید، متن قاب صفحه بعد را مطالعه کنید.

۱- demand deposit (نوعی سپرده که سپرده گذاران می توانند هنگام نیاز به پول چک صادر کنند)
۲- near money
۳- liquidity

سپرده دیداری ←



بیشتر بدانیم

بانک‌ها و افزایش نقدینگی

با رونق گرفتن تجارت در جوامع بشری به‌ویژه ابتدا در تمدن اسلامی در قرن‌های سوم تا هشتم هجری و سپس در اروپا در قرون شانزدهم و هفدهم میلادی، نیاز به پول و خدمات آن بیشتر شد. با جریان یافتن پول‌های کاغذی و اعتماد به آنها، کم‌کم مؤسسات مالی روی کار آمدند که کار اصلی آنها حفظ و تامین امنیت پول و اسان‌سازی نقل و انتقال آن از شهری به شهر دیگر بود. این مؤسسات که ابتدا «صرافی» و سپس «بانک» نامیده می‌شد، با اسان کردن فعالیت‌های تجاری به افزایش مبادلات و در نتیجه تولید بیشتر کمک کردند. اعتبار این مؤسسات به این دلیل بود که مؤسسان آنها بازرگانان معروف، ثروتمند و مورد اعتماد مردم بودند و در برابر خدماتی که ارائه می‌کردند، کارمزد دریافت می‌کردند.

مدیران این مؤسسات با گذشت زمان متوجه دو نکته مهم شدند: اول اینکه در اغلب موارد صاحبان پول‌های فلزی (که پول‌های خود را به امانت نزد آنها گذاشته و رسید گرفته‌اند)، تمامی پول خود را از صندوق مؤسسه خارج نمی‌کنند و به همین سبب، بخشی از کل موجودی برای پاسخگویی به مراجعان کافی است. همچنین هم‌زمان با مراجعه تعدادی از افراد به مؤسسه برای دریافت پول خود، عده‌ای نیز برای واریز کردن پول به حسابشان مراجعه می‌کنند. در نتیجه هیچ‌گاه موجودی صندوق به صفر نمی‌رسد. این دو مسئله برخی را به این فکر واداشت که پول‌های راكد در صندوق را به کار گیرند.

پول‌های راكد و وام دادن بانكها :

از دیرباز صاحبان پول‌های راكد دو دسته بودند. عده‌ای با دادن قرض الحسنه، نیاز هموعان خود را تامین می‌کردند و با مشارکت مالی در تجارت و تولید، بخشی از سود آن فعالیت اقتصادی را به دست می‌آوردند. در مقابل عده‌ای هم بودند که پول‌های راكد خود را به نیازمندان یا بازرگانان متقاضی وام می‌دادند و در مقابل، مبالغی اضافه بر وام دریافت می‌کردند؛ بدون اینکه در فعالیت اقتصادی مشارکت کنند یا ضرری متحمل شوند. این عده برخلاف آموزه‌های همه ادیان الهی، رباخوار بودند. در این مؤسسات‌های پولی (صرافی یا بانک) مسئله این بود که مالک پول‌های راكد کیست؟ صرافان دین‌دار پول‌های مردم را نزد خود امانت می‌دانستند و از این رو نمی‌توانستند بدون رضایت صاحب پول از آن استفاده کنند و اگر هم این پول‌های راكد را با اجازه صاحبان و از سوی آنان به کار می‌گرفتند، در این صورت مؤسسه مالی صرفاً واسطه و وکیل بود و سود فعالیت اقتصادی، مال صاحب پول بود و مؤسسه فقط حق الوکاله خود را برمی‌داشت. در جوامع غیردینی، مؤسسات‌هایی شکل گرفتند که پول‌های راكد را نه امانت، بلکه قرض مردم به آنان و مال خود می‌دانستند و از این رو به آنها وام می‌دادند و ربا می‌گرفتند. از سوی دیگر مؤسسات، برای افزایش توان وام دهی خود با دادن بخشی از آن ربا به مردم، آنها را برای سپرده‌گذاری بیشتر تشویق می‌کردند. بانک‌های ربوی، این گونه شکل گرفت.

بانک‌های غیرربوی
(وام بدون بهره)

بانک‌های ربوی
(وام با بهره)

خدمات بانک ها:

در هر صورت این گونه مؤسسات یا بانک ها (چه ربوی و چه غیر ربوی) علاوه بر خدمات نقل و انتقال و محافظت از پول، به اعطای وام و تأمین اعتبار نیز پرداختند. امکان گرفتن وام و اعتبار و پیدایش مؤسسه ای که اعتبار دارد و می تواند این اعتبار خود را به دیگری هم بدهد (وام) در حجم و شکل فعالیت های اقتصادی تاثیر زیادی گذاشت.

این مؤسسات با چاپ رسید (پول کاغذی) قدرت خلق اعتبار یافتند و برخی هم از این فرصت سوء استفاده کردند. دولت ها هم با اطلاع از این مشکل، سعی کردند همان طور که حق ضرب سکه را منحصر در اختیار خود داشتند، حق چاپ و نشر اسکناس را هم از افراد و مؤسسات بگیرند. هر چند انحصار این حق در دست دولت، ظاهراً بانک ها را صرفاً به واسطه دریافت و پرداخت تبدیل کرده بود و دیگر نمی توانستند اسکناس چاپ کنند؛ اما ماهیت منحصر به فرد بانک، فراتر از آن بود. بعدها مشخص شد بانک ها حتی اگر اجازه چاپ پول را هم نداشته باشند، امکان خلق پول را دارند. فرض کنید در جامعه ای یک بانک بیشتر نداریم و اولین مراجعه کننده به این بانک، مبلغی را برای سپرده بلندمدت می گذارد. بانک می تواند حداکثر تا سقف کل آن مبلغ را به دیگری وام دهد. حال اگر بانک شرط کند که وام افراد را به جای اسکناس، به صورت اعتبار یا چک پردازد و تمام کسانی که این چک ها را برای وصول به بانک می برند مجاب کند که پول نقد در خواست نکنند و در همان بانک حساب باز کنند و از خدمات چک یا کارت اعتباری استفاده کنند، در این صورت با پدیده منحصر به فردی روبه رو خواهیم بود. بانک می تواند به هر تعداد و به هر میزان که بخواهد، وام دهد، زیرا پول از گردش درون بانک خارج نمی شود. به این فرایند خلق پول یا خلق اعتبار می گویند. دولت ها این توان عجیب بانک را نیز باید مهار کنند. به همین دلایل بانک ها و مؤسسات مالی و اعتباری می باید ماهیتاً نهادی غیر انتفاعی و صرفاً با هدف ارائه خدمات به فعالان اقتصادی باشند. بانک ها فقط با مجوز بانک مرکزی تأسیس می شوند و تمام فعالیت های پولی آنها باید تحت کنترل و نظارت شدید باشد.

فرايند خلق پول يا خلق اعتبار توسط بانک ها

تورم

معمولاً هنگامی با تورم روبه رو می شویم و آن را احساس می کنیم که بخواهیم کالایی را خریداری کنیم. در چنین حالتی اگر ببینیم برای کالای مورد نظر باید پول بیشتری پرداخت کنیم، متوجه حضور تورم در اقتصاد می شویم. البته به این نکته توجه کنید که هر گونه افزایشی در قیمت را نمی توان تورم دانست؛ مثلاً ممکن است فروشنده ای بی انصاف کالای مورد نظر شما را گران تر از آنچه هست، به شما بفروشد. آیا در این صورت می توانیم بگوییم این افزایش قیمت، تورمی است؟

چه زمانی تورم را احساس می کنیم ؟
آیا هر افزایشی در قیمت به معنای تورم است ؟

تعریف تورم

نقد مثبت نرخ تورم

رابطه تورم با قدرت خرید پول با مثال

اقتصاددانان افزایش در سطح عمومی قیمت‌ها را تورم^۱ می‌گویند. نرخ تورم^۲ درصد افزایش سالانه سطح عمومی قیمت‌هاست. اگر قیمت کالاها در امسال نسبت به سال قبل ۲۰ درصد افزایش یافته باشد؛ یعنی ما نسبت به سال قبل تورم ۲۰ درصدی داریم و این به معنای آن است که قدرت خرید پول ما ۲۰ درصد کاهش یافته؛ یعنی با یک مقدار مشخص پول (مثلاً ۵ هزار تومان) امسال ۲۰ درصد کمتر از سال قبل می‌توان کالا خریداری کرد، پس تورم نشان می‌دهد که قدرت خرید پول چقدر کاهش یافته است.

قیمت ها ↑ ← قدرت خرید پول ↓

چگونه نرخ تورم را محاسبه می‌کنند؟

معمولاً برای اندازه‌گیری تورم از شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI) بهره می‌برند. برای تشکیل شاخص قیمت مصرف‌کننده، دولت‌ها معمولاً یک سبد بازار یعنی بسته‌ای از کالاهای گوناگون را که عموم مصرف‌کنندگان احتمالاً خریداری می‌کنند در نظر می‌گیرند، سپس دولت هزینه این سبد بازار را در طول زمان رصد می‌کند. اگر قیمت این سبد در طی یک دوره مشخص، ۱۰ درصد افزایش داشت، CPI نیز ۱۰ درصد افزایش دارد. سبد بازار طیف وسیعی از کالاها را شامل انواع مواد غذایی، ماشین، لباس، خدمات تفریحی و... پوشش می‌دهد.

توضیح شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI)



بعد از گردآوری اطلاعات قیمت از سبد کالاها، دولت از طریق رابطه زیر، درصد تغییر شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI) یا همان نرخ تورم را محاسبه می‌کند:

$$\text{تورم} = \frac{\text{هزینه سبد بازار در ماه (سال) قبل} - \text{هزینه سبد بازار در ماه (سال) معین}}{\text{هزینه سبد بازار در ماه (سال) قبل}} \times 100$$

مثلاً فرض کنید در ماه جاری، هزینه سبد بازار یک میلیارد و صد میلیون تومان باشد. اگر هزینه سبد بازار در سال قبل، چنین ماهی، برابر با یک میلیارد تومان بوده باشد، آنگاه درصد تغییر شاخص قیمت مصرف‌کننده برابر است با:

$$\text{درصد تغییر CPI} = \frac{1/1 - 1}{1} \times 100 = 10$$

مثال:

۱-inflation

۲-inflation rate

۳-consumer price index

عدد ۱۰ به ما می گوید که از سال قبل تاکنون، ۱۰ درصد شاخص قیمت مصرف کننده رشد داشته است و یا به عبارت دیگر، مانسبت به سال قبل، تورمی معادل ۱۰ درصد داشته ایم.

۳) **مصرف کننده ها**

۲) **بروز کننده ها**

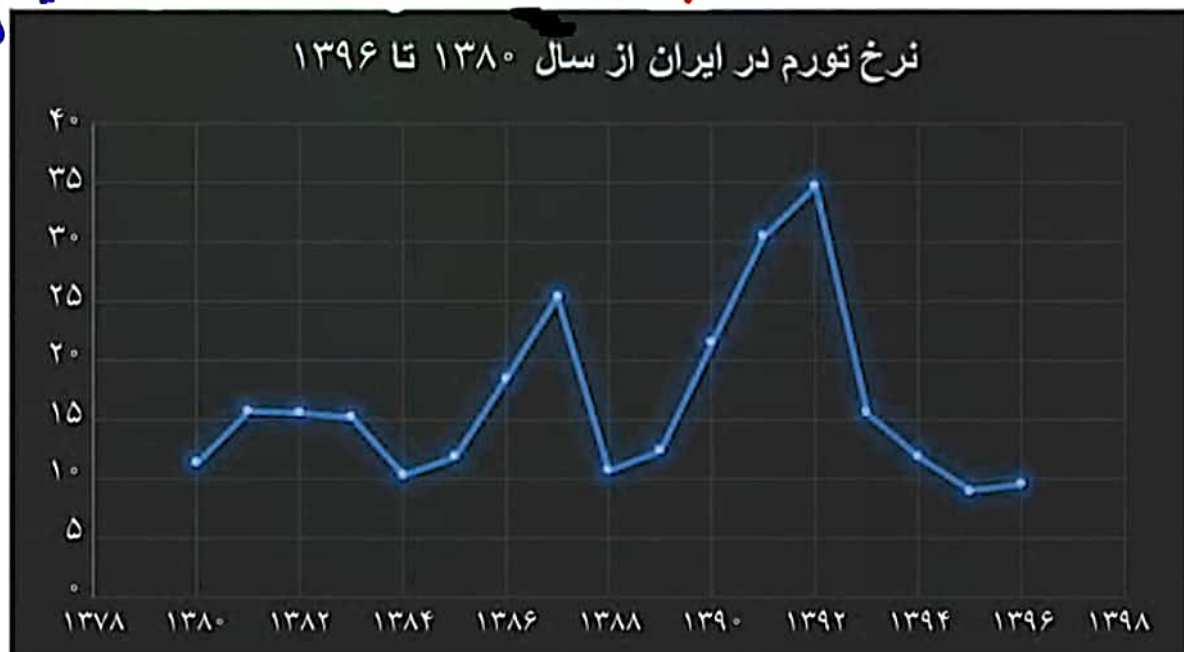
۱) **استثمار کننده ها**

۴) **مردم**

پیامدهای تورم

تورم از نظر علم اقتصاد، افزایش سطح عمومی قیمت هاست. وقتی این افزایش در سطح قیمت ها، بی رویه، پرنوسان و مداوم باشد، با تورم زیان بار روبه رو هستیم. تورم بر رفاه مردم و امنیت اقتصادی آنها اثر منفی دارد. تورم موجب می شود فضای کسب و کار بی ثبات شود و تولید کنندگان و بازرگانان نتوانند پیش بینی درستی از آینده قیمت ها در بازار داشته باشند. به این ترتیب، تولید و خرید و فروش کالاها با مشکلات زیادی روبه رو خواهد شد. از سوی دیگر، مصرف کنندگان کالاها و خدمات نیز، با کاهش قدرت خرید پولشان مواجه می شوند و این بر رفاه آنها اثر منفی خواهد گذاشت. متأسفانه اقتصاد کشور ما در سال های متمادی از تورم آسیب دیده است.

نرخ تورم در ایران از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۶



نمودار تورم در ایران - سال پایه: ۱۳۹۵

منبع: داده های بانک مرکزی

علل تورم و نقش دولت

درباره علت به وجود آمدن تورم در جامعه، نظریه های مختلفی وجود دارد. گاهی علت تورم، نابرابری عرضه و تقاضای کل در اقتصاد است. این فزونی تقاضا بر عرضه، به صورت افزایش قیمت ها بروز می کند. تصور کنید که برای خرید خودرو وارد بازار شده اید، اما خودرو به اندازه تقاضا کنندگان وجود ندارد و بازار با مازاد تقاضا مواجه است. در این صورت تنها عده محدودی از تقاضا کنندگان می توانند صاحب خودرو شوند. به نظر شما چه کسانی خودرو را تصاحب می کنند؟ درست است؛ آنهایی که قیمت بالاتری برای خودرو حاضرند بپردازند. به این ترتیب قیمت

۱- **علل تورم: نابرابری عرضه و تقاضای کل در اقتصاد**

(تقاضای مردم بیشتر از عرضه می باشد)

۲- **عدم هماهنگی افزایش نقدینگی در کشور با افزایش تولید**

۳- **نوسانات نرخ ارز (بامت کاهش قدر خرید و تورمی شود)**

دش دولت برای کنترل تورم در این حالت: افزایش میزان عرضه به روش

خودرو به سمت بالا می‌رود. اگر سایر کالاها نیز به نحو مشابهی افزایش قیمت داشته باشد، کم‌کم بر روی سطح عمومی قیمت‌ها اثر می‌گذارد و نرخ تورم کل کشور را افزایش می‌دهد. در این صورت دولت برای مقابله و کنترل تورم باید میزان عرضه کالاها را افزایش دهد. دولت به دو روش می‌تواند عرضه را افزایش دهد؛ روش اول آن است که ظرفیت‌های تولیدی را افزایش دهد؛ اما از آنجا که این روش معمولاً زمان‌بر است، دولت‌ها ترجیح می‌دهند از طریق افزایش واردات، بازار را تنظیم کنند.

فعالیت گروهی در کلاس



ویژگی‌های مثبت و منفی هر دو روش (افزایش عرضه و افزایش واردات) را بررسی کنید و به کلاس ارائه دهید.

علت دوم تورم: افزایش درآمد نفتی می‌تواند تورم را باعث شود

تورم می‌تواند علت دیگری هم داشته باشد. اگر افزایش نقدینگی در کشور با افزایش تولید هماهنگ نباشد، می‌تواند سبب تورم شود. در این صورت دولت موظف است تا با کنترل میزان نقدینگی در کشور تورم را کنترل کند. در کشور ما، افزایش درآمدهای نفتی هرچندگاهی به افزایش ظرفیت‌های تولیدی کمک می‌کند؛ اما باعث رشد درآمدهای اقتصادی و رشد حجم نقدینگی در کشور می‌شود که تورم‌زا است. علاوه بر این، نوسانات نرخ ارز نیز بر ارزش پول ملی ما اثر منفی می‌گذارد و منجر به کاهش قدرت خرید پول ملی و در پی آن منجر به تورم می‌شود. سیاست‌هایی که دولت از طریق بانک مرکزی برای مدیریت حجم نقدینگی و حفظ ارزش پول اعمال می‌کند، سیاست‌های پولی^۱ است. سیاست‌های پولی معمولاً به دو شکل انجام می‌شود:

تفکیک سیاست‌های پولی در انواع آن

- ۱- کاهش نقدینگی در گردش؛
- ۲- افزایش نقدینگی در گردش.

سیاست اول به سیاست پولی انقباضی مشهور است و سیاست دوم را سیاست پولی انبساطی می‌گویند. زمانی که اقتصاد کشور گرفتار تورم می‌شود، برای پیشگیری از افزایش قیمت‌ها یا کاهش سرعت آن، بانک مرکزی سیاست کاهش نقدینگی یا همان کاهش حجم پول در گردش را به کار می‌گیرد. در حالت رکود اقتصادی که سطح تولید کاهش و بیکاری افزایش می‌یابد، معمولاً سیاست‌های انبساطی اعمال می‌شود. یکی از روش‌هایی که بانک مرکزی کشورها برای کنترل تورم و تنظیم نقدینگی در گردش به کار می‌گیرند، سیاست بازار باز^۲ (فروش یا خرید اوراق مشارکت) است. در این روش بانک مرکزی می‌تواند با فروش اوراق مشارکت به طور مستقیم از مقدار نقدینگی در دست مردم بکاهد یا با خرید اوراق مشارکت، نقدینگی بیشتری به جامعه تزریق کند.

سیاست بازار باز

سیاست پولی
انقباضی (کاهش نقدینگی) ← معنای دوم ← فروش اوراق مشارکت
انبساطی (افزایش نقدینگی) ← معنای اول ← خرید اوراق مشارکت

۱- monetary policy

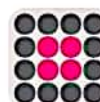
۲- open market operation

فعالیت فردی در کلاس



گاهی افراد با شنیدن کاهش نرخ تورم به اشتباه انتظار دارند که سطح عمومی قیمت‌ها کاهش یابد و به عبارتی دیگر، کالاها ارزان‌تر شده باشد؛ با توجه به معنای تورم (افزایش سطح عمومی قیمت‌ها)، چرا مردم چنین اشتباهی را مرتکب می‌شوند؟

برای تفکر و تمرین



۱- هرچند تورم در کل، برای اقتصاد کشور زیان‌بار است، اما برای برخی نیز سودرسان است. در هر یک از موارد زیر مشخص کنید که فرد توصیف شده، از تورم زیان می‌بیند یا سود می‌برد؟ دلایل خود را توضیح دهید.

- بازنشسته‌ای با یک حقوق ثابت بازنشستگی در طول دوره تورم.
- خریدار یک واحد ساختمانی که آن واحد ساختمانی را یک سال پیش از اتمام و تحویل، خریداری کرده است و بعد از تحویل، به خاطر تورم، افزایش در قیمت ساختمان روی داده است.
- تولیدکننده‌ای که مجبور است قیمت محصولاتش را بعد از تغییرات قیمت، به‌روزرسانی کند.
- ۲- فرض کنید تورم امسال معادل ۲۳ درصد بوده است. شرکت تولیدی ایران سبز (شرکتی که آقای محمدی مدیرعامل آن است) نیز همچون سایر شرکت‌ها تحت تأثیر این نرخ تورم قرار گرفته است و هزینه‌های عوامل تولید این شرکت به میزان ۲۳ درصد افزایش یافته است. شرکت تصمیم می‌گیرد برای جلوگیری از ضرر بیشتر، قیمت هر دو محصولش (کود زیستی و سم زیستی) را افزایش دهد. به نظر شما آیا با وجود تورم عمومی و افزایش قیمت این دو محصول، تقاضای آنها کاهش می‌یابد؟ اگر تقاضا هیچ تغییری نکند، درباره سود شرکت چه فکر می‌کنید؟ آیا می‌توان گفت افزایش می‌یابد؟ تحلیل کنید که اگر سود شرکت افزایش یابد، آیا واقعاً حال شرکت بهتر می‌شود؟ (یعنی با این فرض آیا قدرت خرید شرکت افزایش می‌یابد) چرا؟

تحلیل کنید

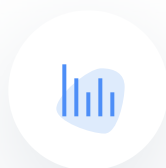


- براساس آنچه درباره شیوه محاسبه نرخ تورم آموختید، میان تورم و کاهش قدرت خرید پول چه رابطه‌ای است؟
- چرا معمولاً بین نرخ تورمی که سازمان‌های رسمی اعلام می‌کنند و آنچه ما احساس می‌کنیم، تفاوت وجود دارد؟
- اگر به جای دولت بودید، چه راهکارهایی برای مبارزه با تورم، ارائه می‌دادید؟



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد